

راهبردهای تقویت رشد اقتصادی در ایران با نگاه به تجربه کره جنوبی، ترکیه، آذربایجان و هند

مهران سام دلیری^۱

چکیده

رشد اقتصادی یا به عبارت دیگر، رشد تولید ناخالص داخلی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش وضعیت هر اقتصادی است. مطالعه حاضر به بررسی راهکارهای تقویت رشد اقتصادی در ایران با توجه به تجربه کشورهای کره جنوبی، ترکیه، آذربایجان و هند در دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ می‌پردازد. با توجه به نتایج رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه (کره جنوبی با سیاست‌گذاری مبتنی بر آموزش دقیق و تربیت مردم باسواد و بانگیزه، ترکیه با سیاست عدم افزایش نرخ بهره از سوی دولت در طول دو سال با وجود تورم بالا، آذربایجان با کمک صندوق بین‌المللی پول دو برنامه اقتصادی را به اجرا درآورد و با اصلاحات اقتصادی و آزادسازی تجارت موجب پا گرفتن طبقه جدیدی از تجار و صاحبان صنایع با سرمایه‌های اندک شد و هند نیز با سیاست امکان سرمایه‌گذاری خارجی از طریق لغو قوانین مالیاتی دست‌وپاگیر، تعدیل قوانین صادرات و واردات کشور و تأمین امنیت سرمایه‌های داخلی)، می‌توان راهکارهایی را در راستای تقویت رشد اقتصادی در ایران مورد توجه قرار داد که عبارت از ۱- اهتمام جدی و هدف‌گذاری شده بر بنگاه‌های کوچک و متوسط توسط دولت، ۲- خصوصی‌سازی کارآمد که راهی در راستای کاهش فشار مالی شرکت‌های دولتی بر بودجه دولتی است، ۳- کاهش وابستگی به درآمدهای حاصل از منابع طبیعی و متکی بودن به درآمدهای حاصل از مالیات، ۴- توجه به صنعت گردشگری مبتنی بر سلامت و... و ۵- ایجاد بسترهای انگیزشی مناسب توسط دولت برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی از سوی افراد مقیم یا غیرمقیم کشور است.

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی، راهکار تقویت، تجربه کشورها

مقدمه

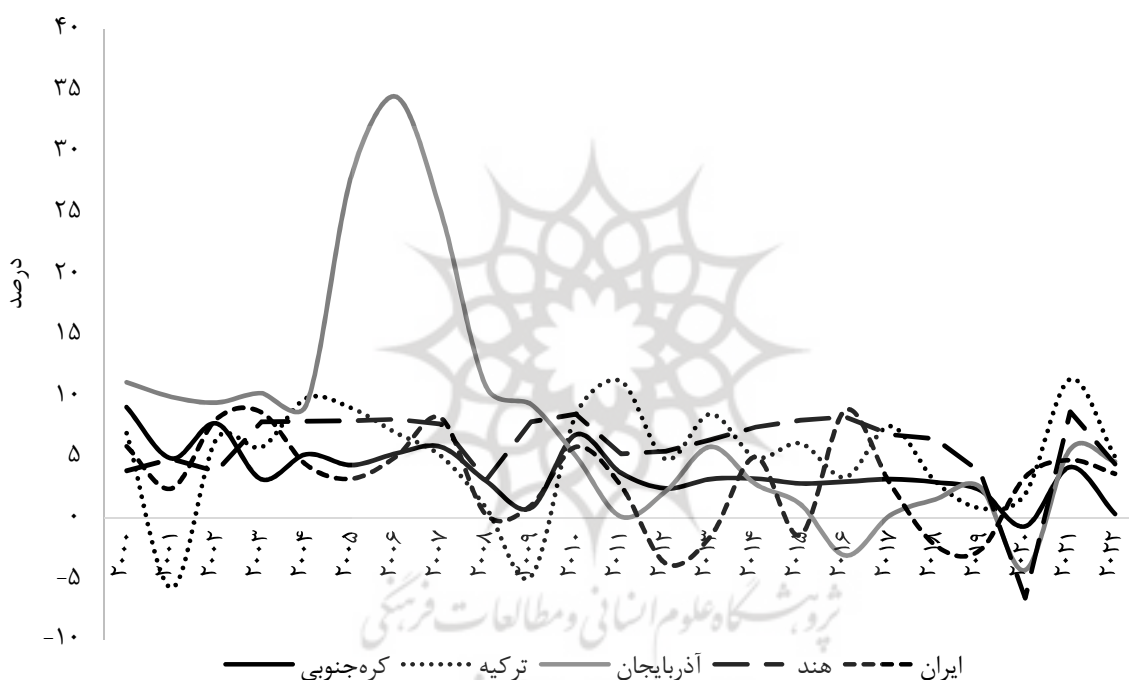
چنین وضعیتی احتمالاً بیشترین تأثیر را بر سرزمین‌هایی خواهد داشت که خارج از قطب‌های فعالیت اقتصادی قرار دارند و عقب‌نشینی توسعه آن‌ها بر عهده مقامات منطقه‌ای است. بیش از نیم‌قرن تجربه بین‌المللی در کشورهای مختلف نشان داده است که ابزارهای مؤثر خاصی برای دستیابی به رشد اقتصادی سریع وجود دارد. کافی است برای مثال

اقتصاد جهانی در حال سپری کردن تجربه‌کنندگی در سرعت رشد اقتصادی خود است؛ زیرا نرخ رشد تولید در مقایسه با دهه‌های گذشته به شدت کاهش یافته است. رویدادهای اخیر جهانی از جمله همه‌گیری ویروس کرونا، کاهش قیمت نفت و تعطیلی بنگاه‌ها از عوامل تشدید این روند هستند.

اقتصاد) و هند (حدود ۱/۵ قرن مستعمرگی و تحت سلطه انگلستان بودن) و دیگر کشورهایی را که در طول جنگ ویران شدند، مطالعه کرد. استراتژی‌های توسعه این کشورها دارای ویژگی‌های مشترک مربوط به اجرای اصلاحات نهادی و سیاست‌های توسعه منطقه‌ای است.

بازسازی اقتصاد کره جنوبی (بعد از بحران نقدینگی سال ۱۹۹۷ در این کشور و تکیه کردن به صندوق بین‌المللی پول برای کمک مالی)، ترکیه (بعد از تورم بالای ۸۵ درصد به دلیل افزایش نرخ ارز)، آذربایجان (تورم فزاینده ناشی از آثار جنگ قره‌باغ همراه با سیاست‌های آزادسازی قیمت‌ها و خصوصی‌سازی

نمودار ۱- مقایسه روند رشد اقتصادی کشورهای کره جنوبی، ترکیه، آذربایجان و هند با ایران



مأخذ: وبگاه World Bank, 2020.

سوی دولت ترکیه در طول دو سال موجب شد با وجود تورم بالا، این کشور رشد اقتصادی به مراتب بالایی را به ثبت برساند. بر اساس آمارها (نمودار شماره ۱) در سال ۲۰۲۱، اقتصاد ترکیه رشد اقتصادی ۱۱/۴ درصد را به ثبت رساند که یکی از بهترین عملکردها در منطقه و جهان شمرده می‌شود. در ۳ ماه نخست و دوم سال ۲۰۲۲ نیز اقتصاد ترکیه به ترتیب رشد اقتصادی ۷/۵ و ۷/۶ درصدی را به ثبت رساند و

این کشورها برای رشد اقتصادی سیاست‌هایی را پیش گرفتند. کره جنوبی سیاست‌گذاری مطلوب برای توسعه اقتصادی خود را مانند آنچه ژاپن برای ترمیم اقتصاد خود به کار گرفته بود، مدنظر قرار داد. اصول این سیاست‌گذاری مبتنی بر آموزش دقیق و تربیت مردم باسواد و بانگیزه بود. همین مسائل باعث شد تا رونق شدید فناوری و رشد اقتصادی سریع در این کشور رخ دهد. سیاست عدم افزایش نرخ بهره از

در رابطه با رشد اقتصادی و بخش چهارم به ملاحظات امنیت اقتصادی و بخش آخر نیز به بیان نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهکارهای رشد اقتصادی برای ایران با توجه به تجربه این کشورها اختصاص یافته است.

۱- عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی در کشورها

عوامل بسیاری بر رشد اقتصادی اثرگذارند. در این گزارش به عواملی مانند مخارج مصرفی خانوارها، سرمایه‌گذاری، مخارج دولت و صادرات و واردات پرداخته می‌شود.

۱-۱- مخارج مصرفی خانوارها

رابطه بین مخارج مصرف و رشد اقتصادی توجه زیادی را در میان سیاست‌گذاران و اقتصاددانان در تحقیقات اقتصاد کلان به خود اختصاص داده است. پژوهشگران با توجه به یافته‌های تجربی و انگیزه‌های نظری خود، مواضع مختلفی در این باره اتخاذ کرده‌اند. در طرفی، اقتصاددانان کینزی قرار دارند که مخارج مصرفی را تابعی قابل اعتماد از درآمد می‌دانند و در طرف دیگر، تعداد زیادی از اقتصاددانان هستند که معتقدند مصرف بیشتر، رشد اقتصادی را تحریک می‌کند. برخی دیگر از اقتصاددانان نیز بر اساس انتقادات خود نسبت به این دو دیدگاه موضع‌گیری می‌کنند. مودigliانی^۱ (۱۹۹۰)، آندو^۲ (۱۹۶۳)، برومبرگ^۳ (۱۹۹۰) و فریدمن^۴ (۲۰۰۸)، نظریه مصرف ساده کینزی را مورد انتقاد قرار داده و تئوری‌های خود را ارائه کرده‌اند. بسیاری از

بر اساس پیش‌بینی‌ها انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۳، رشد اقتصادی این کشور بالاتر از ۶ درصد باشد. آذربایجان نیز برای ثبات اوضاع اقتصادی، با کمک صندوق بین‌المللی پول دو برنامه اقتصادی را به اجرا درآورد و با اصلاحات اقتصادی و آزادسازی تجارت موجب پا گرفتن طبقه جدیدی از تجار و صاحبان صنایع با سرمایه‌های اندک شد که رشد اقتصادی ۴/۶ درصدی در سال ۲۰۲۲ را به ارمغان آورد.

هند نیز از سال ۱۹۹۱ به بعد، برنامه‌هایی را برای خروج از اقتصاد برنامه‌ریزی شده به تصویب رساند و به تدریج به اجرا درآورد. از آن زمان به بعد، به تدریج قوانین مالیاتی دست‌وپاگیر لغو و قوانین صادرات و واردات کشور تعدیل شدند، امکان سرمایه‌گذاری خارجی فراهم آمد و امنیت سرمایه‌های داخلی تأمین و موجب شد که این کشور متوسط رشد ۸ درصدی را در هشت سال گذشته تجربه کند. ایران نیز در این سال‌ها رشد نوسانی داشته که رشدهای مثبت در برخی از سال‌ها بیشتر وابسته به درآمدهای نفتی بوده است. این گزارش به بررسی راهکارهای تقویت رشد اقتصادی در ایران با توجه به تجربه کشورهای کره جنوبی، ترکیه، آذربایجان و هند می‌پردازد.

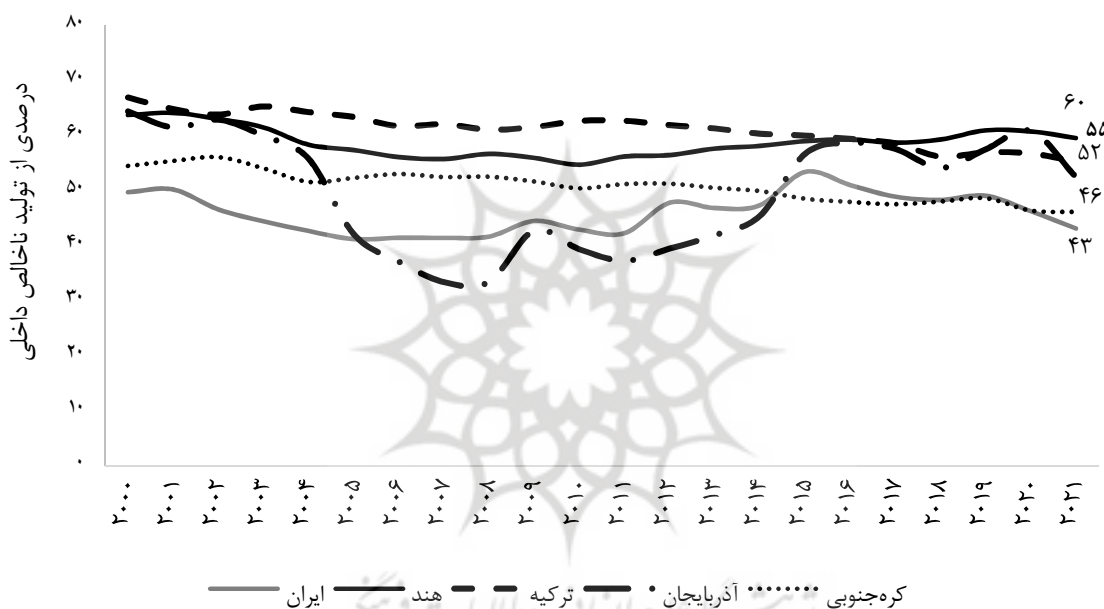
در همین راستا، پس از بیان مقدمه، عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی در کشورها در بخش نخست و علل عقب ماندن رشد اقتصادی ایران با توجه به منابع فراوان در بخش دوم بررسی می‌شود. بخش سوم به تجربه کشورهای کره جنوبی، ترکیه، آذربایجان و هند

1. Modigliani
2. Ando
3. Brumberg
4. Friedman

مصرفی کشورهای مورد مطالعه به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی نشان داده شده است. همان طور که مشخص است، مخارج مصرفی درصدی بالایی از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است و طبق دیدگاه مخالف کینز، مصرف بیشتر رشد اقتصادی را تحریک می کند.

نظریه های رشد، پس انداز را به عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی نشان می دهند. رابطه میان مصرف و تولید نه تنها از نظر تئوریک، بلکه از منظر سیاست نیز مهم است؛ زیرا خروجی دغدغه اصلی هر سیاست کلان اقتصادی است و دولت برای آن به سازوکارهای راهبردی نیاز دارد. در نمودار شماره ۲، میزان مخارج

نمودار ۲- مقایسه روند مخارج مصرفی خانوارها در کشورهای کره جنوبی، ترکیه، آذربایجان و هند با ایران



مأخذ: وبگاه World Bank, 2020.

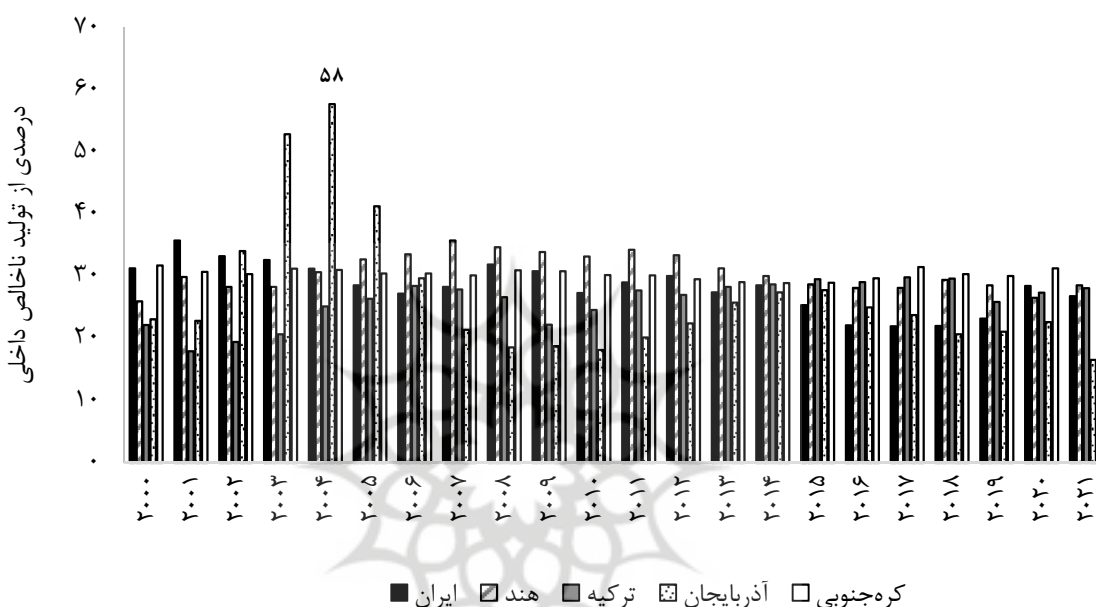
۱-۲- سرمایه گذاری

نقش و اهمیت سرمایه گذاری در فرایند رشد و توسعه اقتصادی جوامع در بیشتر نظریات اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است. با توجه به کمبود منابع سرمایه گذاری و ضرورت تخصیص بهینه این منابع برای تحریک رشد اقتصادی، لازم است مزیت های نسبی کشور در زمینه تخصیص منابع سرمایه گذاری به درستی شناسایی شود و با هدایت منابع سرمایه گذاری به مولدترین و کارآمدترین بخش ها،

با توجه به نمودار شماره ۲، روند تغییرات مخارج مصرفی برای کشورهای مورد نظر در دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ کاهش یافته است. کشور هند در این سالها تمرکز زیادی روی مخارج مصرفی خود کرده و روند ثابت تری نسبت به دیگر کشورها داشته است؛ به طوری که در سال ۲۰۲۱، ۶۰ درصد از سهم تولید ناخالص داخلی این کشور به مخارج مصرفی اختصاص داشته است. این رقم در این سال برای ایران ۴۳ درصد بوده است.

زمینه استفاده کارآمد از منابع محدود در راستای تسریع رشد اقتصادی فراهم شود. در نمودار شماره ۳، میزان سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی نشان داده شده است. همان‌طور که مشخص است، بعد از مخارج مصرفی، سرمایه‌گذاری درصد بالایی از تولید ناخالص داخلی هر کشور را به خود اختصاص داده است.

نمودار ۳- مقایسه روند سرمایه‌گذاری در کشورهای کره جنوبی، ترکیه، آذربایجان و هند با ایران



مأخذ: وبگاه World Bank, 2020.

با توجه به نمودار شماره ۳، کشور آذربایجان بالاترین درصد سرمایه‌گذاری را میان کشورهای مورد مطالعه در دوره ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ داشت و به دلیل استخراج ۳ میلیون و ۸۱۰ هزار تن نفت خام در ۳ ماه نخست سال ۲۰۰۴ از حوزه‌های دریایی و خشکی، توانست سرمایه‌گذاری بالایی را در بخش‌های مختلف اقتصادی رقم بزند. کره جنوبی در این دوره روند باثبات‌تری داشته؛ به طوری که ۳۲ درصد تولید ناخالص داخلی را در ابتدا و انتهای دوره به سرمایه‌گذاری اختصاص داده که حاکی از اهمیت بالای این بخش در رشد اقتصادی این کشور است. ایران نیز در این باره در دوره مورد نظر روند نوسانی داشته؛ به طوری که در اوایل دوره، دارای روند افزایشی و در انتهای دوره، دارای روند کاهشی بوده است؛ یعنی از ۳۱ درصد در سال ۲۰۰۰، به ۲۷ درصد در سال ۲۰۲۱ رسیده است که نشان از این دارد که سهم این بخش از تولید ناخالص داخلی نسبت به مخارج مصرفی در دوره مورد نظر کاهش یافته و کشور کمتر بر رشد اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری تمرکز کرده است.

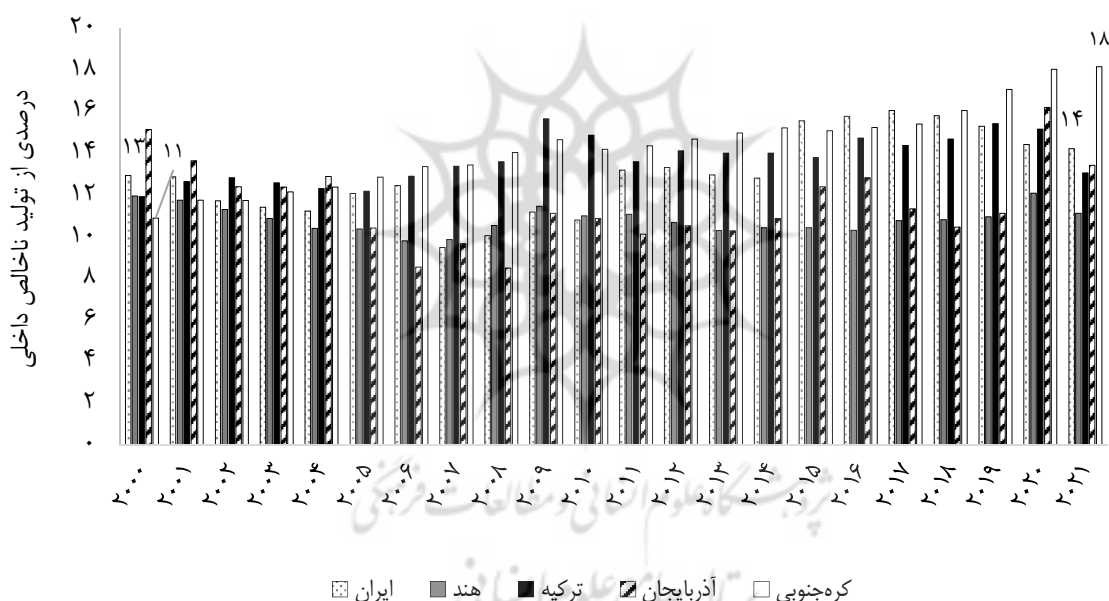
۳-۱- مخارج عمومی دولت

ارتباط میان مخارج عمومی دولت و رشد اقتصادی به‌عنوان دو متغیر مهم و وابسته به هم، از

دوهان و رومپ، ۲۰۰۷) این استدلال وجود دارد که افزایش فعالیت مولد دولت باعث افزایش تولید می‌شود. در نمودار شماره ۴، میزان مخارج عمومی دولت به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی نشان داده شده است. همان‌طور که مشخص است، دولت‌ها در این زمینه نیز تلاش‌های زیادی صورت داده‌اند تا از طریق آن به بهبود رشد اقتصادی در کشورها کمک کنند.

موضوعات مهم سطح کلان اقتصادی است که در تعیین راهبردهای سیاستی دولت‌ها اهمیت زیادی دارد. مخارج عمومی‌ای که دولت در زیرساخت‌ها مانند جاده‌ها، بنادر یا سیستم‌های ارتباطی، هزینه‌های تحقیقاتی عمومی و همچنین، ارائه آموزش‌های اولیه و خدمات پزشکی به کار می‌گیرد، ظرفیت اقتصادی هر اقتصادی را افزایش می‌دهد. طبق دیدگاه اقتصاددانان (آشاور، ۱۹۸۹؛

نمودار ۴- مقایسه روند مخارج عمومی دولت در کشورهای کره جنوبی، ترکیه، آذربایجان و هند با ایران



مأخذ: وبگاه World Bank, 2020.

افزایش اندکی داشته؛ به طوری که از ۱۳ درصد در سال ۲۰۰۰، به ۱۴ درصد در سال ۲۰۲۱ رسیده است.

۴-۱- خالص صادرات

در چهارچوب تجارت بین‌الملل، صادرات شامل فعالیت‌هایی است که اقتصاد داخلی را تحریک می‌کند و منجر به پیدایش صنایع بزرگ کارخانه‌ای همراه با ساختارهای سیاسی پایدار و نهادهای اجتماعی کارآمد

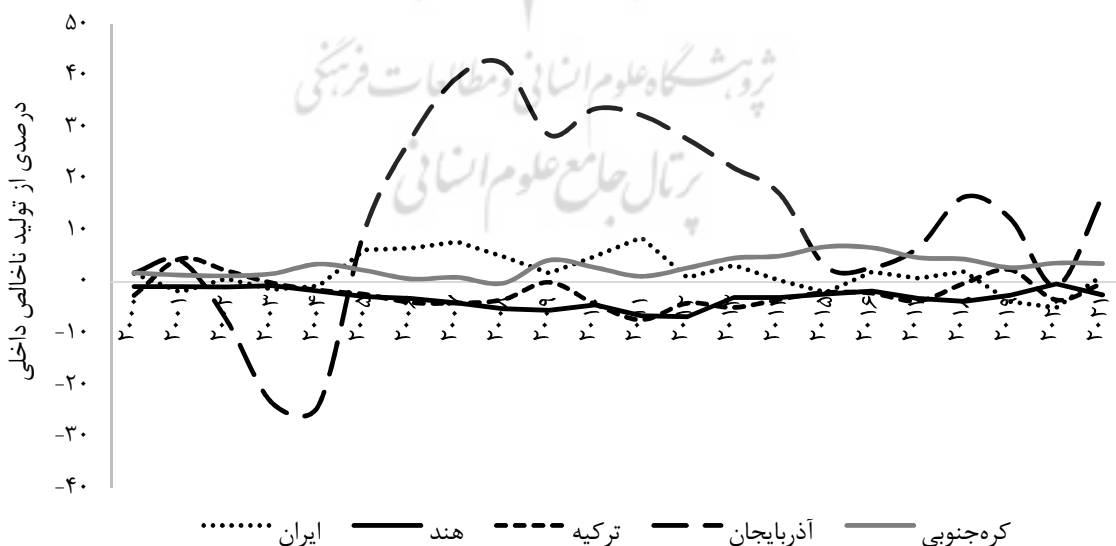
کره جنوبی در این زمینه نیز روند روبه‌رشد خود را در دوره مورد مطالعه به خوبی حفظ کرده؛ به طوری که از ۱۱ درصد در سال ۲۰۰۰، به ۱۸ درصد در سال ۲۰۲۱ رسیده است. در این سال‌ها این کشور سیاست‌گذاری‌های خود را به سمت آموزش و خدمات از طریق تربیت مردمان باسواد و بانگیزه سوق داده است. ایران نیز در دوره مورد مطالعه

می‌شود (Ulfa & Andriyani, 2019). دو جنبه اصلی برای تعیین رشد اقتصادی، رشد کل تولید ناخالص داخلی و رشد جمعیت است. رشد کل تولید ناخالص داخلی در صورتی ممکن است که کشوری از فعالیت‌های تخصصی بهره‌مند شود. اگر بازار گسترده‌ای برای تطبیق با نتایج تولید وجود داشته باشد، می‌توان تخصص را تحقق بخشید. این بازار گسترده را می‌توان با استفاده از تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی به دست آورد. فعالیت‌های صادراتی و وارداتی دو نوع فعالیت تجاری بین‌المللی شمرده می‌شوند. طبق گفته سدیانینگروم و همکاران^۱ (۲۰۱۶)، فعالیت زیاد وارداتی به دلیل افزایش بیکاری و کاهش درآمد، تولید ملی و قدرت خرید مردم را کاهش می‌دهد.

در نمودار شماره (۵)، میزان خالص صادرات به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی نشان داده

شده است. همان‌طور که مشخص است، کشورهای مورد مطالعه در این باره تا اندازه‌ای خوب عمل کرده‌اند؛ به طوری که آذربایجان در دوره ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸، به دلیل اصلاحات اقتصادی، آزادسازی تجارت و بهره‌برداری از منابع نفتی، روند روبه‌رشدی را در خالص صادرات (صادرات-واردات) داشته است. کره جنوبی نیز از سال ۲۰۰۴ به بعد، روند روبه‌رشد و باثباتی را پیموده در حالی که ایران در این دوره تقریباً روند کاهشی داشته است. اینکه بخش عمده‌ای از صادرات در ایران بر پایه صادرات نفت و گاز بوده که در دوره‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰، به دلیل فشار تحریم‌های بین‌المللی و کاهش صادرات باعث شده است تراز تجاری ایران افت شدیدی را تجربه کند، در وقوع این موضوع تأثیرگذار بوده است.

نمودار ۵- مقایسه روند خالص صادرات در کشورهای کره جنوبی، ترکیه، آذربایجان و هند با ایران



مأخذ: وبگاه World Bank, 2020.

1. Sedyaningrum et al.

۱-۵- کیفیت نیروی انسانی

کیفیت نیروی انسانی از طریق آموزش را نیز می‌توان به‌عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر رشد اقتصادی کشورها از سمت عرضه بیان کرد. نقش نیروی انسانی در فرایند تولید از دیدگاه نظریه‌های اقتصادی در طول زمان دچار تغییراتی شده است. این تغییرات و دگرگونی‌ها از سویی کمیت نیروی کار را به‌عنوان یکی از عوامل تولید مانند دیگر عوامل در نظر گرفته است (طبق نظریه رشد نئوکلاسیک) و از سوی دیگر، مفهوم سرمایه انسانی قرار دارد که حاصل انباشت دانش، مهارت و تجربه در انسان‌هاست. در اکتبر سال ۲۰۱۸، بانک جهانی شاخص سرمایه انسانی را به‌عنوان معیاری از موفقیت اقتصادی منتشر کرد. این شاخص کشورها را بر اساس میزان سرمایه‌گذاری در آموزش و مراقبت‌های بهداشتی برای جوانان رتبه‌بندی می‌کند. طبق آخرین آمار منتشرشده بانک جهانی در سال ۲۰۲۱، عدد این شاخص برای سال ۲۰۲۰ برای کشورهای کره جنوبی، ترکیه، آذربایجان، هند و ایران به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۶۴، ۰/۵۷، ۰/۴۶ و ۰/۵۹ بوده است که نشان از این دارد که کره جنوبی و ترکیه نسبت به دیگر کشورها، اهمیت بیشتری به نقش نیروی انسانی در تولید و رشد اقتصادی داده‌اند.

۲- علل عقب ماندن رشد اقتصادی ایران

برخی شاخص‌های مهم اقتصادی در ایران نسبت به همسایگان و نیز دیگر کشورهای جهان جایگاه پذیرفتنی ندارد. ایران در میان کشورهای جهان به لحاظ آزادی اقتصادی جایگاه ۱۶۹ را در سال ۲۰۲۳

کسب کرده است و در میان ۱۷ کشور منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا جایگاه ۱۶ را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که عربستان سعودی به‌عنوان یکی از کشورهای که در سند چشم‌انداز به آن اشاره شده، با آزادی اقتصادی ۶۲/۸ درصدی، جایگاه ۶۰ در جهان و جایگاه ۶ را در میان ۱۷ کشور یادشده به دست آورده است. این شاخص نسبت به سال گذشته، ۱/۲ درصد افزایش را نشان می‌دهد. ترکیه دیگر کشوری است که توجه به رشد اقتصادی آن جالب است. اقتصاد ترکیه با ۶۰/۸ درصد آزادی، در جایگاه ۷۴ جهان قرار گرفته و در میان ۴۱ کشور اروپایی، جایگاه ۳۲ را به خود اختصاص داده است. رشد ترکیه در این شاخص نسبت به سال گذشته ۲/۵ درصد است که نشان‌دهنده تمایل بالای دولت این کشور برای آزادسازی اقتصاد است.

از جمله عواملی که بر عقب‌ماندگی ایران در این باره مؤثر بوده است، می‌توان به عدم سرمایه‌گذاری، بی‌ثباتی پی‌درپی در اقتصاد، بی‌ثباتی سیاسی، ضعف در نظام حکمرانی، دوگانگی در بحث سیاست‌گذاری، عدم به‌کارگیری سرمایه انسانی و حمایت از فعالیت‌های نامولد به‌جای فعالیت‌های مولد اشاره کرد. تمام این موارد در کنار این مسئله که ایران یکی از کشورهای صاحب منابع نفتی است که ثروت هنگفتی را از صادرات نفت به دست می‌آورد، در این زمینه مؤثر است. این درآمد در بیشتر حکومت‌های صاحب منابع نفتی، در کنار تأثیر مستقیم بر رشد اقتصادی، دامنه اقتدار دولت در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی را تغییر داده است و با

ظرفیت‌افزایی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، وجود نخبگان توسعه‌گرا از مهم‌ترین ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌گراست. سیاست‌های دولت توسعه‌گرای کره جنوبی برای توسعه صنعتی شامل تشویق و انگیزش صادرات، مزیت نسبی، سیاست‌های مالی، گسترش صنایع سنگین، مدیریت مجرب و متعهد، تربیت نیروی کار ماهر و باسواد، توسعه علوم و فناوری، مقاومت در برابر بحران دهه ۱۹۸۰ و... است. از جمله، قانون تعدیل صنایع کوچک و متوسط را با هدف محدود کردن ورود شرکت‌های بزرگ به حوزه تجاری صنایع کوچک و متوسط تصویب و بانک صنایع کوچک و متوسط و بانک ملی شهروند را برای رفع نیازهای مشاغل کوچک و متوسط ایجاد کرد. ۳- تشکیل زنجیره تولید: هدف اساسی قانون ارتقای مشارکت گروه‌های کوچک و متوسط که در سال ۱۹۷۵ تصویب شد، ایجاد ارتباط مناسب بین صنایع داخلی با توسعه صنعت قطعات از طریق سازماندهی مشاغل کوچک به کارخانه‌های وابسته شرکت‌های بزرگ مونتاژ و ساخت بود. این سیاست بر اساس سیستم ژاپنی اجرا می‌شود که در آن تقسیم کار میان شرکت‌های مادر و پیمان‌کاران فرعی آن‌ها صورت می‌گیرد. ۴- سیاست‌های نظام بانکی: اعمال نرخ بهره‌های بانکی پایین و نزدیک به صفر در سال‌های مختلف. صنایع و مشاغل کوچک که تحت پوشش برنامه توسعه صنعتی دولت نبودند، در وام گرفتن وجوه از مؤسسات مالی سازمان یافته مشکل داشتند و باید به وام‌دهندگان غیررسمی با نرخ بهره‌های بالای ۳۰ درصد تکیه می‌کردند.

کاهش کیفیت نهادی و به عبارتی، افزایش خطر سیاسی در این حوزه‌ها، به صورت غیرمستقیم بر رشد اقتصادی تأثیر داشته است. در سال‌های اخیر به‌ویژه در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ و ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱، تحریم‌های وارده (بانکی و هسته‌ای) از سوی مجامع بین‌المللی و مخصوصاً آمریکا باعث کاهش درآمدهای حاصل از صادرات نفت و در نتیجه، کاهش بیشتر رشد اقتصادی شده است.

۳- تجربه کشورهای کره جنوبی، ترکیه، آذربایجان و هند درباره رشد اقتصادی

۱-۳- تجربه کره جنوبی

دولت کره جنوبی پس از درک ضرورت حمایت از صنایع کوچک و متوسط در برابر رشد بی‌رویه و انحصار چابول‌ها و برای جبران مسائل پیش روی شرکت‌های کوچک، اقدامات وسیعی را برای حمایت از صنایع کوچک و متوسط برنامه‌ریزی و اجرا کرد. دولت چهار راهکار را برای رشد و توسعه اقتصادی خود مدنظر قرار داد که عبارت‌اند از ۱- حمایت از تولید: این فرایند در قالب برنامه جامع استراتژیک برای توسعه کلی این کشور مشتمل بر اهداف عملیاتی گسترده محقق شده که سیاست‌های توسعه را در تمام بخش‌های اقتصادی و اجتماعی به صورت هماهنگ و دقیق پشتیبانی کرده و به هیچ‌وجه تنها بر یک صنعت یا یک بخش تمرکز نداشته و به‌طور هوشمندانه‌ای در تعدیل نقاط و عملیات معیوب انعطاف به خرج داده است. ۲- نخبگان توسعه‌گرا: افزون‌بر تلاش در راستای کسب قدرت، اقتدار، استقلال، توانمندی و

۲-۳- تجربه ترکیه

از سال ۲۰۰۲ به بعد، با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، دولت ترکیه توانست با برنامه‌ریزی مناسب در سیاست‌گذاری کلان اقتصادی بر مشکلات اقتصادی فائق آید. این سیاست‌ها عبارت‌اند از: ۱- توجه به صنعت داخلی: دولتمردان این کشور سعی کردند از توان داخلی استفاده کنند؛ به طوری که در سال‌های اخیر، این کشور سرمایه‌گذاری‌هایی را در صنایع مختلف از جمله لباس و پوشاک انجام داده است تا نبود نفت را به بهترین شکل ممکن پوشش دهد و کشور را از چالش‌های نگران‌کننده نجات دهد.

۲- خصوصی‌سازی: ترکیه از اواسط دهه ۱۹۸۰، استراتژی خود را بر خصوصی‌سازی قرار داد و با قطع دست دولت از حضور در فعالیت‌های اقتصادی و اجازه مانور بیشتر به بنگاه‌های اقتصادی کوچک‌تر، سعی کرد زمینه‌هایی را برای سرمایه‌گذاری در کشور فراهم کند. یکی از اقداماتی که برای رشد اقتصادی ترکیه انجام شد، ایجاد محدودیت در انتقال سرمایه و گرفتن وام خارجی بود. این سرآغازی شد که ترکیه بتواند شرایط مناسبی برای کسب سرمایه‌های خارجی ایجاد کند. این ترفند نتایج خود را در اوایل دهه ۱۹۹۰ با وارد شدن جریان‌های سرمایه‌گذاری نشان داد. ۳- توجه به صنعت گردشگری: دولتمردان برای افزایش رشد اقتصادی ترکیه به بخش گردشگری نیز بی‌توجه نبودند و سعی کردند از تمام توان و ظرفیت‌هایی که در این قسمت وجود دارد، استفاده کنند تا کشورشان را از شر شرایط بد اقتصادی خلاص کنند. به دلیل توجه بیش‌ازپیش ترکیه به این

صنعت، مؤسسه TUI آلمان، ۱۱ هتل این کشور را جزو ۱۰۰ هتل برتر دنیا معرفی کرد. این موضوع خود باعث ورود ارز به این کشور شد تا افزایش رشد اقتصادی ترکیه به وقوع بپیوندد. ۴- سیاست عدم افزایش نرخ بهره با وجود تورم بالا: سیاست عدم افزایش نرخ بهره از سوی دولت ترکیه در طول دو سال موجب شد با وجود تورم بالا، این کشور رشد اقتصادی به مراتب بالایی را به ثبت برساند. بر اساس آمارها، در سال ۲۰۲۱، ترکیه رشد اقتصادی ۱۱/۴ درصد را به ثبت رسانده است که یکی از بهترین عملکردها در منطقه و جهان شمرده می‌شود.

۳-۳- تجربه آذربایجان

جمهوری آذربایجان در مقایسه با جمهوری‌های تازه‌استقلال‌یافته اطراف خود، در اثر بهره‌برداری از منابع نفتی و سرمایه‌گذاری، پس از استقلال توسعه بیشتری یافته است. این کشور در سالیان گذشته برای رشد و توسعه اقتصادی خود به عوامل مختلفی متکی بوده است که عبارت‌اند از: ۱- اتکا به منابع نفتی: حاشیه ساحلی شرق آذربایجان به‌ویژه زیرساخت طبیعی شهر باکو و فلات قاره آذربایجان در دریای خزر، مهم‌ترین منابع نفتی آذربایجان را در خود جا داده‌اند. کشف نفت در باکو در نیمه دوم قرن ۱۹ بود و از اوایل قرن ۲۰ وارد بازار جهانی شد. آذربایجان در حال حاضر روزانه حدود ۲۵۰ هزار بشکه نفت تولید می‌کند و ذخیره نفتی کشف‌شده آن حدود ۳/۳ میلیارد بشکه تخمین زده شده که حدود ۲/۲ میلیارد بشکه آن مربوط به فلات قاره خزر است. ۲- صنعت گردشگری: کشور آذربایجان با سواحل زیبای خود در

برای خروج کشور از اقتصاد برنامه‌ریزی شده به تصویب رساند و به تدریج به اجرا درآورد. از آن زمان به بعد، به تدریج قوانین مالیاتی دست‌وپاگیر لغو شدند، قوانین صادرات و واردات کشور تعدیل شدند، امکان سرمایه‌گذاری خارجی فراهم آمد و امنیت سرمایه‌های داخلی تأمین شد. تحلیلگران اقتصادی پیش‌بینی می‌کنند هند تا سال ۲۰۳۱، پس از آمریکا و چین، سومین کشور صنعتی جهان باشد و درآمد سرانه آن، به ۵۲۰۰ دلار یعنی ۲ برابر اندازه کنونی برسد.

۴- ملاحظات امنیت اقتصادی

رشد اقتصادی یا به عبارت دیگر، رشد تولید ناخالص داخلی یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها برای سنجش وضعیت هر اقتصادی است. رشد اقتصادی به معنای افزایش مداوم حجم تولید در کشور یا افزایش تولید ناخالص داخلی به‌عنوان شاخص‌های کمی تولید برای دوره یک‌ساله است. همچنین، رشد اقتصادی یکی از مرتبط‌ترین و هیجان‌انگیزترین زیرحوزه‌های اقتصاد است و ارتباط آن ناشی از پرسش‌هایی است که روی آن‌ها تمرکز می‌کند. مشکل توسعه اقتصادی برای بشریت در کل و برای اقتصاد به‌عنوان علم، مشکلی اساسی است. کشورهای دارای نفت و دیگر منابع طبیعی (از جمله ایران) با سرعتی کمتر از کشورهای رشد کرده‌اند که چنین منابعی در اختیار ندارند. در واقع، افزایش درآمدهای منابع طبیعی و تزریق مستقیم آن به اقتصاد کشور باعث افزایش ارزش پول داخلی، کاهش تقاضای محصولات داخلی

کنار دریای مازندران و موقعیت جغرافیایی مناسب، خود را به یکی از قطب‌های گردشگری (توریستی) در منطقه خاورمیانه تبدیل کرده است. ۳- قابلیت‌های کشاورزی: سرزمین آذربایجان به لحاظ وضعیت توپوگرافیک و نیز موقعیت جغرافیایی و آب‌وهوای مناسب و دشت‌ها و منابع آبی خوب و کافی، استعداد توسعه دامپروری، کشاورزی و باغداری را به‌ویژه به روش‌های مکانیزه کسب کرده و به راحتی خود را در عرصه‌های جهانی مطرح کرده است.

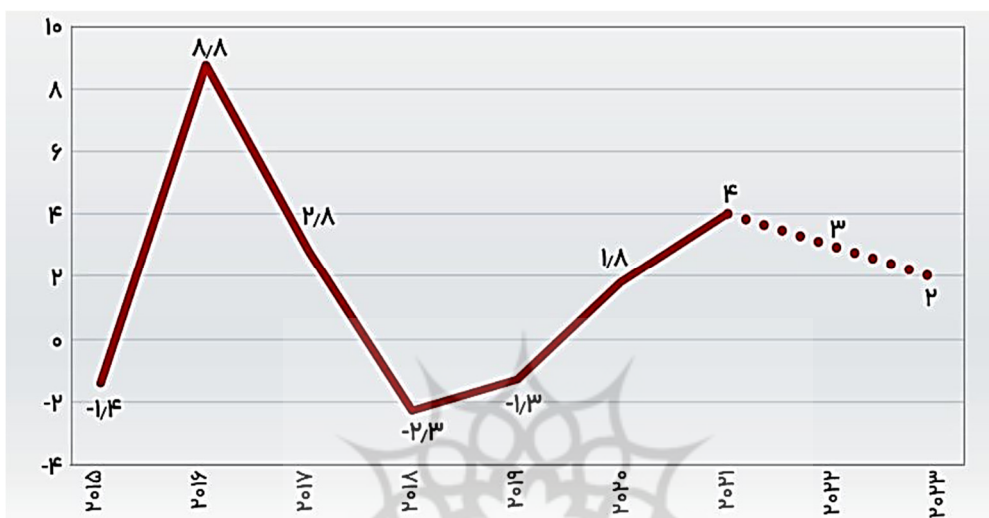
۳-۴- تجربه هند

توسعه اقتصادی در هند دنباله‌رو و الهام‌گرفته از سیاست سوسیالیستی در تاریخ استقلال این کشور از جمله مالکیت دولتی در بسیاری از بخش‌هاست. رشد خوب ۸ درصدی در سال‌های اخیر در این کشور را می‌توان ناشی از دو عامل تلقی کرد. ۱- وزن بالای وابستگی اقتصاد هند به تقاضای داخلی: تأثیر تولید ناخالص داخلی با احیای تقاضای داخلی به‌ویژه در بخش خدمات گسترده کشور حمایت می‌شود. ۲- دسترسی به انرژی ارزان روسیه: روسیه در اکتبر (مهر) ۲۰۲۲، ۹۴۶ هزار بشکه نفت خام در روز به هند صادر کرد که بالاترین میزان در یک ماه گذشته است. این کشور ۲۲ درصد از کل واردات نفت خام هند را به خود اختصاص داده است. افزایش عمده سهم روسیه از بازار هند از کمتر از ۱ درصد در سال ۲۰۲۱، به دلیل تخفیف‌های بسیاری بود که پس از جنگ اوکراین رخ داد. می‌توان سرآغاز پیشرفت‌های اقتصادی هند را سال ۱۹۹۱ دانست. در این سال، «مانموهان سینگ»، وزیر دارایی هند، برنامه‌هایی را

سرمايه‌گذاري در محصولات کشاورزي و صنعتي مي‌شود که اين موارد کاهش رشد اقتصادي را در پي دارد (کریمی موعاري، ۱۳۹۴).

و درنتيجه، کاهش صادرات، افزايش واردات و افزايش گرايش به سرمايه‌گذاري در کالاهای غيرقابل تجارت از جمله زمين و ساختمان و درنتيجه، کاهش

نمودار ۶- پيش‌بيني رشد اقتصادي ايران



مأخذ: وبگاه صندوق بين‌المللي پول، ۲۰۲۳

آينده متصور شده است. به اعتقاد اين نهاد، دست‌کم تا چند سال، شاهد رشدهای بالای اقتصادي نخواهيم بود. تلاش در راستای افزايش رشد اقتصادي در برنامه‌های کلان کشور بايد به‌طور جدي مورد توجه قرار گيرد که تاکنون اين موضوع کمتر در دستور کار قرار گرفته است.

نتيجه‌گيري و پيشنهاد راهکارها

کشورهای مورد مطالعه هرکدام با استفاده از سياست‌هایی توانسته‌اند رشد اقتصادي بالايی را تجربه کنند. برای مثال، کره‌جنوبي با سياست‌گذاري مبتني بر آموزش دقيق و تربيت نيروی انساني باسواد و بانگيزه، ترکیه با سياست عدم افزايش نرخ بهره از سوی دولت در طول دو سال با وجود تورم بالا،

در چند سال گذشته ايران رشد اقتصادي نامناسبی داشته است (طبق نمودار شماره ۶)؛ به‌گونه‌ای که در دو سال پياپی (سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹) رشد اقتصادي منفي به ثبت رسيد، اما در سال ۲۰۲۰، پس از دو سال رشد اقتصادي منفي، رشد اقتصادي به مثبت ۱/۸ درصد رسيد. پيش‌بيني رشد اقتصادي ايران از نگاه صندوق بين‌المللي پول در سال ۲۰۲۳، مثبت ۲ درصد بوده است که با رشد محقق شده ۴/۱ درصدی در ۹ ماه سال ۱۴۰۰ (به گزارش بانک مرکزی) تطابق دارد. صندوق بين‌المللي پول برای سال ۲۰۲۳، رشد اقتصادي را ۲ درصد برای ايران پيش‌بيني کرده است. به بيان ديگر، صندوق بين‌المللي پول، روندی نزولی را برای رشد توليد ناخالص داخلی ايران در چند سال

تحلیل تا پایان سال، رشد اقتصادی ایران در سال ۱۴۰۱ حدود ۳/۳ درصد و رشد بدون نفت ۲/۹ درصد برآورد می‌شود) و با توجه به نبود بسترهای مناسب برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف، رشد اقتصادی پایینی به دست می‌آورند.

مهم‌ترین توصیه‌ها و راهکارهای سیاستی درباره ایران با توجه به تجربه کشورهای کره جنوبی، ترکیه، آذربایجان و هند به شرح زیر است.

- توجه جدی و هدف‌گذاری شده دولت به بنگاه‌های کوچک و متوسط که نقش مهمی در ایجاد اشتغال دارند.

- گام برداشتن در راستای خصوصی‌سازی کارآمد مبتنی بر سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به‌عنوان راهی در راستای کاهش فشار مالی شرکت‌های دولتی بر بودجه دولت، بالا بردن کارایی آن‌ها و توانمندسازی بخش‌های غیردولتی.

- کاهش وابستگی به درآمدهای حاصل از منابع طبیعی (منابع هیدروکربوری و معادن) و اتکا به درآمدهای حاصل از مالیات با اصلاح سیستم مالیاتی.

- توجه به صنعت گردشگری مبتنی بر سلامت و دانش می‌تواند به‌عنوان یکی از راه‌های مؤثر بر رشد اقتصادی کشورها به‌ویژه ایران با توجه به تجربه ترکیه و آذربایجان در سال‌های اخیر باشد.

- ایجاد بسترهای مناسب انگیزشی توسط دولت برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی از سوی افراد مقیم یا غیرمقیم کشور.

آذربایجان با اجرای دو برنامه اقتصادی و اصلاحات اقتصادی و آزادسازی تجارت موجب پا گرفتن طبقه جدیدی از تجار و صاحبان صنایع با سرمایه‌های اندک شد و هند نیز با لغو قوانین مالیاتی دست‌وپاگیر و تعدیل قوانین صادرات و واردات، امکان سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم و با تأمین امنیت سرمایه‌های داخلی به بهبود رشد اقتصاد کمک کرد. کشورهای دارای منابع طبیعی با اینکه درآمدهای زیادی را با صادرات این منابع به دست می‌آورند، اما معمولاً نرخ رشد اقتصادی پایین‌تری در مقایسه با کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته فاقد این منابع طبیعی دارند. علت این موضوع را می‌توان در تأثیر این درآمدها بر کاهش کیفیت نهادی و افزایش خطر سیاسی و به دنبال آن بر رشد اقتصادی در این کشورها جست‌وجو کرد. همچنین، درآمد حاصل از صادرات منابع طبیعی ضمن ایجاد رانت برای گروه‌های دارای نفوذ، موجب گسترش تمرکزگرایی، تأخیر در فرایند مدرن شدن و تغییر در ساختار مالیات‌ستانی دولت می‌شود. این امور همگی منجر به رشد اقتصادی پایین در این کشورها می‌شوند. از سوی دیگر، در این کشورها و به‌ویژه ایران، به دلیل وابستگی به درآمدهای حاصل از منابع طبیعی، حین ایجاد تحریم‌ها (بانکی و هسته‌ای) علیه این کشورها، آن‌ها از بزرگ‌ترین منبع درآمدی خود بی‌بهره می‌شوند و در نتیجه، تولید ناخالص داخلی‌شان با افت شدیدی همراه می‌شود (بر اساس آخرین آمار منتشرشده بانک مرکزی و درگاه ملی آمار از عملکرد اقتصاد ایران در ۹ ماه سال ۱۴۰۱ و روندهای قابل

- Ulfa, R., & Andriyani, D. (2019). Analisis Faktor-faktor yang Mempengaruhi Ekspor Komiditi Non-Migas Di Indonesia Tahun 1985-2017. *Jurnal Ekonomi Regional Unimal*, 2(3), 128–140.

- World Bank (2020). *World Development Indicators*. Available at: <https://databank.worldbank.org/>.

منابع

- کریمی موعاری، زهرا (۱۳۹۴). *نگاهی به اقتصاد ایران (چاپ اول)*. بابلسر: دانشگاه مازندران.

- Ando A & Modigliani, F. (1963). "The Life Cycle" Hypothesis of Savings: Aggregate Implications and Tests," *American Economic Review*, Vol.53, pp.55-84.

- Friedman, M., (2008). "Theory of the Consumption Function", Princeton University Press.

- <https://www.amar.org.ir/>

- <https://www.cbi.ir/>

- <https://www.imf.org>

- <https://www.worldbank.org>

- Modigliani, F & Brumberg, RH. (1990). "Utility analysis and aggregate consumption functions: an attempt at integration," in Andrew Abel, ed., *The Collected Papers of Franco Modigliani: Volume 2, The Life Cycle Hypothesis of Saving*, Cambridge, MA. The MIT Press. 128–197.

- Sedyaningrum, M., Suhadak, & Nuzula, N. F. (2016). Pengaruh Jumlah Nilai Ekspor, Impor Dan Pertumbuhan Ekonomi Terhadap Nilai Tukar Dan Daya Beli Masyarakat Di Indonesia Studi Pada Bank Indonesia Periode Tahun 2006: IV-2015:III. *Jurnal Administrasi Bisnis (JAB)*, 34(1), 114–121.

